

گستره‌ی ارزش‌های کاری سکویی برای آموزشگری در محیط آموزش عالی The Scope of the Work values: A Platform for Educators in Higher Education

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۸، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۳/۹/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱۶

Dr.Zohreh Ababaf

دکتر زهره عباباف^۱

Abstract: Cultural and scientific institutions have defined and considered specific rights and duties for educators and students. One of the duties mentioned for the educators is creating the conditions for preparing the learners for the emerging situations. Education is a multifaceted mission since training the learners from the moral, emotional, cognitive, social, behavioral and vocational dimensions is an increasingly complex process that requires the employment of a set of competencies. Homogeneous integration of knowledge, skills, and beliefs could prepare the educators for facing this process. In addition, the reality of the traditional or virtual educational contexts is far beyond the physical factors or the quantitative relationships among them. In fact, it is a conceptual construct which is affected by the interactions among belief systems, cognitive, emotional, and socio-cultural factors in the context. Hence, the present study aims to explore and explain the components of work and profession values with regard to the educational-moral role of the educators. This study was conducted through an exploratory qualitative method. The data were gathered through interviews with ۳۶ faculty members (scientific experts) from humanities, science, medicine, and engineering. The obtained data were analyzed through analytic induction. The results confirmed the comprehensive and integrated nature of education and indicated that the profession values integrate with other values to affect the educational contexts. The findings revealed personality, communication, recognition, motivation, beliefs and support as the components of work values. These components could be applied as criteria for employment, empowerment, evaluation, and retention of faculty members in higher education.

Keywords: educatory, higher education, work-profession values.

چکیده: بنیادهای فرهنگی و علمی از دیرباز برای عمل‌کنندگان در نقش‌های مدرس یا آموزشگر و آموزش‌گیرنده وظایف و حقوقی قائل شده‌اند. از جمله وظایفی که می‌توان بر اساس همان بنیادها برای آموزشگر قائل بود فراهم‌سازی تدابیری است که آموزش‌گیرنده را آماده برای زیست در حال و شرایط در حال شکل‌گیری خواهد کرد. آموزشگری در موقعیت‌های تربیتی رسالتی چند وجهی است زیرا رهبریت تربیت اخلاقی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، رفتاری و شغلی آموزش‌گیرندگان فرایند پیچیده‌ای است که به کارگیری مجموعه‌ای از توانمندی‌ها را می‌طلبد. تلفیقی همگون از دانش‌ها، مهارت‌ها و باورها که مدرس را آماده یا به‌عبارتی شایسته‌ی چنین هدایتگری می‌نماید. از طرف دیگر، واقعیت محیط یادگیری در انواع سنتی و مجازی صرفاً یک ویژگی فیزیکی یا ارتباط کمتی بین عناصر فیزیکی نیست بلکه فراتر از آن یک سازه‌ی مفهومی است که از تعاملات نظام باوری، ذهنیت‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی- فرهنگی نقش‌آفرینان صحنه‌ی یادگیری متأثر می‌شود. بر این اساس، این پژوهش که مقاله برگرفته از آن است، با هدف کاوش و توصیف مؤلفه‌های ارزش‌های کاری و حرفه‌ای مبتنی بر نقش تربیتی- اخلاقی مدرسان/آموزشگران دانشگاه تنظیم شده است. در این راستا از شیوه‌ی پژوهش کیفی اکتشافی بهره گرفته شد و داده‌ها به کمک مصاحبه‌ی بازپاسخ با ۳۶ مدرس (خبره‌ی علمی) رشته‌های علوم انسانی، پایه، پزشکی و مهندسی از دانشگاه‌های تهران، صنعتی امیرکبیر، شهید بهشتی، خوارزمی، علامه طباطبایی، تربیت مدرس، علوم پزشکی تهران و علوم پزشکی شهید بهشتی جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها بر مبنای استقرای تحلیلی انجام گرفت. یافته‌ها گستره‌ای از ارزش‌های کاری مبتنی بر نقش تربیتی-اخلاقی مدرسان دانشگاه را نمایان ساخت و نشان داد که آموزشگری ماهیت جامع و تلفیقی دارد و مؤلفه‌های ارزش‌های کاری در تلفیق با دیگر مؤلفه‌های حرفه‌ای برای آموزشگری در محیط آموزش عالی نقش-آفرین است. یافته‌ها مؤلفه‌های ارزش‌های کاری شخصیتی، ارتباطی، شناختی، انگیزشی، باوری و حمایتی را در بر می‌گیرند که به‌لحاظ گستردگی به ارائه‌ی مؤلفه‌های باوری اشاره شده است. مؤلفه‌های ارزش‌های کاری می‌توانند به‌عنوان شاخص‌هایی در جذب، توانمندسازی، ارزشیابی و ماندگاری اعضای هیئت علمی در محیط آموزش عالی مورد تأمل قرار گیرند.

کلمات کلیدی: آموزشگری، آموزش عالی، ارزش‌های کاری و حرفه‌ای، نقش تربیتی-اخلاقی

مقدمه و طرح مسئله

بنیادهای فرهنگی و علمی از دیرباز برای عمل‌کنندگان در نقش‌های مدرس یا آموزشگر و آموزش‌گیرنده وظایف و حقوقی قائل شده‌اند و هیچ‌کدام نمی‌توانند فارغ از آنها باشند تا زمانی که در ساحت مقدس یادگیری ایفای نقش می‌کنند. از جمله وظایفی که می‌توان بر اساس همان بنیادها برای آموزشگر قائل بود فراهم‌سازی تدابیری است که آموزش‌گیرنده را آماده برای زیست در حال و شرایط در حال شکل‌گیری خواهدکرد. بنابراین یک آموزشگر باید نسبت به ابعاد علمی مرتبط با حوزه‌ی کاری خود که نوعی جامع‌نگری را می‌طلبد، آشنا باشد. آموزشگری در موقعیت‌های تربیتی رسالتی چند وجهی است زیرا تربیت اخلاقی، عاطفی، شناختی، اجتماعی، رفتاری و شغلی آموزش‌گیرندگان فرایند پیچیده‌ای است که به‌کارگیری مجموعه‌ای از توانمندی‌ها را می‌طلبد. تلفیقی همگون از دانش‌ها، مهارت‌ها و باورها که مدرس را آماده یا به‌عبارتی شایسته‌ی چنین هدایتگری می‌نماید. مجموعه‌ی این توانمندی‌ها هویت‌های به‌هم‌آمیخته‌ی مدرسی را شکل می‌دهند. حداقل می‌توان سه هویت «شخصی، تخصصی و سازمانی» را برای مدرس در محیط آموزش عالی قائل شد که باهم هویت آکادمیک او را می‌سازند.

از طرف دیگر، واقعیت محیط یادگیری در انواع سنتی و مجازی صرفاً یک ویژگی فیزیکی یا ارتباط کمی بین عناصر فیزیکی نیست، هرچند آنها را هم شامل می‌شود یا ابتدائاً وابسته به آن و الزام‌های آن به‌شمار می‌روند؛ بلکه فراتر از آن یک سازه‌ی مفهومی است که از تعاملات نظام-باوری، ذهنیت‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی-فرهنگی نقش‌آفرینان صحنه‌ی یادگیری متأثر می‌شود. به بیانی دیگر، محیط یادگیری یک محیط چند وجهی و پویا است و حیات آن وابسته به استمرار اثربخش تعاملات بین دو موجود زنده‌ی مولد در مقام آموزشگر و آموزش‌گیرنده است. البته با لحاظ کردن اینکه این دو موجود در صحنه‌ی یادگیری نقش ثابتی ندارند و بنا به نیاز تغییر نقش می‌دهند تا تعادل زیستی حفظ شود و فرایند تعامل استمرار یابد. آندری و گاسلینگ (۲۰۰۶)، معتقدند که مدرسان و دانشجویان باید در یک سفر غیرقابل‌پیش‌بینی با مقصد غیرمعیّن شرکت کنند که مسلماً این سفر با چالش‌هایی روبه‌رو خواهد بود. زندگی دانشجویان می‌تواند به کمک تعامل آنها در فرایند تحصیلی، البته نه به‌طور دقیق یا ضروری یا مادی، بلکه به کمک بهتر شدن توانایی آنها در فکر کردن به‌نحوی روشن، در جمع‌آوری و تحلیل شواهد، در کار کردن با دیگران، در مستقل‌تر شدن، شخص خودرهبور و قدردان ارزش دانش شدن ارتقاء پیدا کند، مدرسان در آموزش عالی می‌توانند تحقق این اهداف را به کمک خود انتقادی بودن و اطلاعات بهتر در زمینه‌ی تدریس، آماده بودن در کسب تجربه و بررسی کردن اثر

تدریس خود، به کمک اطمینان از اینکه در همه‌ی زمان‌ها پاسخگو به نیازهای رشدی و یادگیری دانشجویان خود بوده‌اند امکان‌پذیر سازند. برای این منظور آندری و گاسلینگ (۲۰۰۶)، در زمینه‌ی اهداف اخلاقی تدریس به ارتباط اهداف تدریس با انتخاب‌های اخلاقی درباره‌ی زندگی خوب و خوب انسانی^۱ اشاره می‌کنند. زمانی که هدف به‌عنوان یک پایان مناسب برای آموزش تعریف می‌شود، آن هدف برای شخص در حال تحصیل خوب است. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چه چیزی خوب^۲ است؟

این استدلال قوی وجود دارد که توانمندی‌های فکری و انتقادی ذاتاً خوب هستند. تفکر ارسطو درباره‌ی هدف نهایی زندگی بشر شادی و شکوفایی انسانی بود، اما منظور از شادی، احساس کردن لذت یا کامیابی نیست بلکه بالاترین شکل زندگی بشری است. برای ارسطو شادی به معنای هدایت زندگی عقلانی است. نیومن^۳ (۱۸۵۳)، هدف از آموزش دانشگاهی را باز شدن ذهن، اصلاح آن، توانمند ساختن آن در دانستن و هضم کردن، تسلط و استفاده از دانش دانشگاه در قدرت بخشیدن به مدرسان، انعطاف‌پذیری، روشمندی و دقت نظر^۴ می‌داند.

بر اساس آنچه به آن اشاره شد و مباحثی که در ادامه و در بخش مبانی نظری بر آن تأکید می‌شود، اخلاق یک مقوله‌ی مستقل از محتوا و فرایند موجود در محیط آموزش عالی نیست بلکه حقیقت محتوا و فرایند است و لذا اخلاق هویت و تمامیت مدرس را تشکیل می‌دهد. به عبارتی، اخلاق و فضائل اخلاقی به مدرس اجازه‌ی حضور در محیط یاددهی-یادگیری می‌دهد و به‌لحاظ هویت اخلاقی، شایسته‌ی انجام فعل مدرسی می‌شود و فعل مدرسی مبنای هویت‌بخشی به مفهومی به نام مدرس دانشگاه است. بر این اساس، این مقاله به‌دنبال کشف فعل اخلاقی یا همان فعل مدرسی از نگاه مدرسان دانشگاه است و در این راستا سؤال زیر طرح شده است:

• از نگاه حرفه‌ای کدام مؤلفه‌های ارزش‌های کاری را می‌توان برای آموزشگری در محیط آموزش عالی قائل شد؟

- مؤلفه‌های ارزش‌های کاری در زمینه‌ی شناخت و باور حرفه‌ای در رشته‌های علوم پزشکی، علوم مهندسی و پایه، و علوم انسانی کدامند؟

۱. Human good.

۲. The good.

۳. Newman.

۴. Critical exactness.

مبانی نظری

عقل‌گرایان بر مبنای تحلیل عقلانی به مقوله‌ی ارزش و اخلاق می‌پردازند. در این زمینه بارنت (۱۹۹۰)، سه سطح عقلانیت را مطرح می‌کند: پشتوانه‌ای^۱ (داشتن دلایل برای باورها)، روشنگری^۲ (تحول از طریق فهم) و رهایی^۳ (خلق امکانات جدید برای تفکر و عمل). او معتقد است که مفهوم اساسی آموزش شخص‌محور^۴ آن را به چیزی کمتر از یک تحول و رهایی کلی در فرد دانشجو می‌رساند. از دید بارنت (۱۹۹۰)، زمانی که آموزش می‌خواهد هر بعد اخلاقی را در تحول در نظر بگیرد، فضایل اخلاقی زندگی عقلانی، مانند صداقت، اعتماد، راستگویی، اجتناب از خودتناقضی^۵، شجاعت عقلانی و گشاده‌رویی در برابر نقطه نظرات دیگران را در برمی‌گیرد. رورتی^۶ (۱۹۸۹)، «مفهوم همبستگی انسانی»^۷ را به‌عنوان هدف پیشرفت اخلاقی مطرح کرد، از دید او پیشرفت اخلاقی در واقع در جهت همبستگی بیشتر انسانی است. اما آن همبستگی، به معنای تفکر بازشناسی یک خودمرکزی^۸ و ذات انسانی در همه‌ی وجودهای انسانی نیست. بلکه تفکری مانند توانایی دیدن تفاوت‌های سنتی‌تر (نسبت به مذهب، قبیله، نژاد، آداب و رسوم و امثال آن) را می‌طلبد که در مقایسه با شباهت‌هایشان کم‌اهمیت‌تر است. از دید آندری و گاسلینگ (۲۰۰۰)، آیا آموزش عالی در این امر یا هر سطح دیگر پیشرفت اخلاقی مشارکت می‌کند؟ آیا دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها به‌عنوان ایفاگران مطرح در بهبود مسئولیت اخلاقی، همبستگی انسانی، ارزش‌های آزادی‌خواهانه، مسئولیت اجتماعی و یادگیری مادام‌العمر قلمداد

-
۱. Grounded ness.
 ۲. Enlightenment.
 ۳. Emancipation.
 ۴. Person-centered.
 ۵. Self-contradiction.
 ۶. Rorty.
 ۷. Human solidarity.
 ۸. Core self.

می‌شوند؟ دیرینگ^۱ (۱۹۹۷)، اشاره می‌کند که آموزش عالی باید بخشی از هشیاری جامعه‌ی آزاد باشد و باید به حقوق افراد و مسئولیت افراد نسبت به جامعه به‌عنوان یک کلیت احترام بگذارد. مک‌فارلان^۲ (۲۰۰۳)، اشاره می‌کند که آگاهی روبه‌رشدی نسبت به اهمیت تدریس اخلاق به‌عنوان یک بخش به‌هم‌آمیخته‌ی آمادگی حرفه‌ای وجود دارد. با این حال هدف‌های اخلاقی به‌مراتب کمتر در سیاست آموزش عالی مورد توجه قرار گرفته‌اند تا مسائلی مانند گسترش مشارکت و استخدام. آندری و گاسلینگ (۲۰۰۶)، این استنباط را داشتند که آموزش عالی نقشی مهم در انتقال و حفظ مجموعه‌ی ارزش‌ها و نگرش‌ها دارد. ارزش‌های آموزش عالی لزوماً به‌طور مستقیم تدریس نمی‌شوند. بلکه در روش‌های خود، در سیاست‌های پذیرش خود، در انتخاب خود از پژوهش، در ارتباط بین مدرسان و دانشجویان نمونه^۳ اعمال می‌شوند. آنها موضع خود را این‌گونه بیان می‌کنند که، ارزش‌های اخلاقی به‌عنوان بخشی از هر دیسپلین که در شکل‌گیری «بهبود بخشیدن به تدریس و یادگیری» نقش دارند، نمی‌توانند مورد بی‌توجهی قرار گیرند. آنها سه حیطه‌ی اصلی اخلاقی را معرفی می‌کنند که نیاز است توسعه پیدا کنند. این حیطه‌ها با فعالیت‌های تدریس، یادگیری دانشجویان و ماهیت دانش مورد تدریس مرتبط است.

پالمر^۴ (۱۹۹۸)، ادعا می‌کند که تدریس خوب را نمی‌توان در تکنیک محدود کرد. تدریس خوب از هویت و تمامیت^۵ مدرس می‌آید. هویت یک مدرس از فعل و انفعال پیچیده‌ی عواملی تشکیل می‌شود که نه‌تنها ارزش‌های دیسپلین یا حرفه‌ی تدریس که مدرس عضوی از آن است را در برمی‌گیرد بلکه ارزش‌های شخصی، تاریخ و تعهداتی که مدرس در تدریس خود می‌آورد را هم شامل می‌شود. تمامیت در این مفهوم هویت باورهای اخلاقی است. رولاند^۶ (۲۰۰۰)، بنیادی‌ترین هدف تدریس را نفوذ در دانشجو همراه با عشق نسبت به موضوع می‌داند. به نوعی رولاند تعهد اخلاقی را قلب تدریس می‌داند. اوت ویل^۷ (۲۰۰۱) و مک‌فارلان^۸ (۲۰۰۳)، معتقدند

۱. Dearing.
۲. Macfarlane.
۳. Exemplified.
۴. Palmer.
۵. Integrity.
۶. Rowland.
۷. Ottewill.
۸. Macfarlane.

بسیاری از آنچه تحت عنوان حرفه‌گرایی نامیده می‌شود عمل کردن هشیارانه به اصول اخلاقی است. از دید مک فارلان، مدرسان اغلب با مسائلی در زندگی حرفه‌ای خود روبه‌رو هستند که مستلزم اولویت‌بندی کردن اصولشان است. راه‌حل او پیشنهاد تنظیم مجموعه‌ای از فضیلت‌ها برای تدریس دانشگاهی است: احترام، حساسیت، غرور، شجاعت، انصاف، گشاده‌رویی، خویشتن‌داری و همکاری (Andrea & Gosling, ۲۰۰۵).

از دید آندری و گاسلینگ (۲۰۰۵)، رشد اخلاقی دانشجویان به روش‌های گوناگون اتفاق می‌افتد. اول اینکه، فضیلت‌های عقلانی با کار آکادمیک آمیخته است. از دید آندری و گاسلینگ (۲۰۰۵)، سومین حوزه به مبانی اخلاقی دیسیپلین‌ها و حرفه‌ها مرتبط است. هر موضوعی انواعی از تعهدات اخلاقی را ترکیب می‌کند و مسائل اخلاقی مشخصی را خواهد داشت. هیچ موضوعی نمی‌تواند فارغ از اخلاق باشد، یا با روشی که دانش توسط آن جمع‌آوری و فهمیده شده است و کاربرد آن دانش در جامعه بی‌ارتباط باشد.

از دید اسکلتون^۱ (۲۰۰۲)، مدرسان هر موضوعی نیاز دارند تا این سؤال‌های ارزشی را همراه با دانشجویان خود جست‌وجو کنند تا اطمینان حاصل شود که آنها به‌صراحت مورد آموزش و تأیید قرار گرفته‌اند. علاوه بر این، آندری و گاسلینگ (۲۰۰۵)، معتقدند که بسیاری از موضوعات در آموزش عالی هدف‌های اخلاقی در معنای صریح‌تر آن دارند؛ اینکه رفتار مورد نیاز متخصصان یک مبناي اخلاقی دارد. دانشجویان هم به توسعه‌ی یک آگاهی نسبت به مسئولیت شخصی و کدهای^۲ عمل حرفه‌ای و همچنین به ترکیب یک حیطة‌ی اخلاقی انتقادی در مطالعات خود نیاز خواهند داشت. آیلینگ ورث^۳ (۲۰۰۴)، به سه رویکرد در تدریس اخلاقیات اشاره می‌کند. رویکرد اول، به‌طور ساده یک پاسخ عملی به چارچوب‌های نظارتی است که توسط افراد حرفه‌ای پایه‌ریزی شده است. دوم، استانداردهای رفتاری در آموزش حرفه‌ای دانشجویان مورد نظر است. سوم، بیشتر مطالعه‌ی نظری اخلاق نظری و عملی است. اگر به دانشجویان کد اخلاقی یک حرفه یا استانداردهای رفتار حرفه‌ای بدون موضوعیت‌بخشی^۴ به کد یا آن استانداردها در بررسی انتقادی تدریس شود، یادگیری آنها فاقد یک شاخص مرکزی آموزش عالی است. دانشجویان نیاز دارند بدانند که چگونه و چرا براساس اخلاق حرفه‌ای عمل نمایند. بدون توجه به این امر، آنها

۱. Skelton.

۲. Codes.

۳. Illingworth.

۴. Subjecting.

فاقد توانایی در تصمیم‌گیری در زمان تعارض اصول خواهند بود. رفتار اخلاقی نمی‌تواند به‌طور ساده از طریق کدها یا عمل حرفه‌ای تجویزی بدون تمرکز بر ارزش‌های اخلاقی که زیربنای زندگی حرفه‌ای است، کنترل شود. از نظر اسکلتون (۲۰۰۲)، روشی که مدرسان می‌توانند دانشجویان را در رسیدن به این تغییرات تشویق کنند، «دموکراتیزه کردن دانش» است. او اعتقاد دارد که این امر مستلزم چهار چیز است. اول، افزایش دانش عمیق نسبت به موضوعی که دانشجویان در حال مطالعه‌ی آن هستند؛ دانشجویان نیاز دارند تا نوعی آگاهی از تحول تاریخی و فلسفی دیسپلین خود داشته باشند که آنها را قادر به انجام وظایف تبیینی و توجیهی درون کنوانسیون‌های خود کند. دوم، دانشجویان نیاز دارند تا دسترسی به قلمروهای دانش داشته باشند که درون دیسپلین خود مورد رقابت هستند و سنت‌های متفاوت را بشناسند که درون یک حوزه‌ی دانشی وجود دارد. سوم، دانشجویان باید تشویق شوند تا خارج از دیسپلین براساس نقد کردن آن گام بردارند، به‌خصوص از نظرگاه‌هایی که توسط سنت‌های غالب موضوعی به حاشیه رانده شده‌اند. نهایتاً، دانشجویان می‌توانند تشویق شوند تا یک موقعیت شخصی براساس دیسپلین به کمک ارجاع به فرمالاک‌ها^۱ پیدا کنند که می‌تواند از ارزش‌های شخصی یا موقعیت‌های اخلاقی استنتاج شود (Andrea & Gosling, ۲۰۰۵).

روش پژوهش

هدف پژوهش متناسب با سؤال پژوهش، کاوش و توصیف نقش تربیتی-اخلاقی مدرسان بوده است. برای این منظور از پژوهش کیفی با طرح اکتشافی استفاده شده است. در این راستا از شیوه‌ی سؤال‌های باز پاسخ و انجام مصاحبه استفاده شده تا مصاحبه‌شوندگان آنچه را که نسبت به موضوع باور دارند و تجربه کرده‌اند بدون سوگیری و جهت‌دهی از سوی پژوهشگر، بیان کنند. هم‌زمان با انجام مصاحبه‌ها، پژوهشگر مصاحبه‌های ضبط شده را بررسی نموده و شروع به تعیین مؤلفه‌های اصلی و فرعی مربوط به دانش برنامه‌ی درسی کرده است. این فرایند تا آنجا استمرار یافت که اشباع نظری حاصل شد. مصاحبه‌شوندگان از میان مدرسان (اساتید) در رشته‌های علوم پایه، مهندسی، پزشکی و انسانی که به‌عنوان خبرگان علمی در حوزه‌ی تخصصی خود مطرح بوده‌اند، به‌شیوه‌ی هدفمند از دانشگاه تهران، صنعتی امیرکبیر، شهید بهشتی، تربیت مدرس، خوارزمی، علامه طباطبایی انتخاب شدند. در مجموع با ۳۶ خبره‌ی علمی مصاحبه انجام شد. تحلیل داده‌ها بر مبنای استقرای تحلیلی^۲ انجام گرفت. در این روش ابتدا داده‌ها به اجزایی خرد

۱ . Meta-Criteria.

۲ . Analytic Induction

شدند و سپس با ارتباطی که با هم برقرار می کردند مقوله ها یا مضامین^۱ آشکار شدند که ماهیت کلی تری داشتند و مبنای تفسیر داده ها قرار گرفتند. در فرایند تحلیل از فرایند کدگذاری^۲ داده ها استفاده شد.

یافته ها

ارزش های کاری ارتباط تنگاتنگی با باور شخصی یعنی با ایدئولوژی و ارزش های مورد قبول مدرس دارد و برخاسته از نظام باوری، تربیتی و فرهنگی-اجتماعی اوست. بخشی از باور حرفه ای مدرسان بستگی به ارزش هایی دارد که برای کار خود قائل هستند. داده ها در زمینه ی ارزش های کاری: انگیزش، عشق، تعهد، پیشرفت^۳، همکاری^۴، حمایت^۵، استقلال^۶، تشخیص^۷، امنیت، شأن و منزلت، صداقت، نیت پاک و شرایط کاری را آشکار ساخت که در ادامه به برخی از یافته ها اشاره می شود.

ضرورت های وجودی ارزش های کاری: "دکترای فیزیک داشتن، یک دانش تخصصی است. اما مدرس حرفه ای بودن الزامات زیادی می خواهد و ۷۰/۸۰٪ سایر صلاحیت هاست. برای آموزش اخلاق تدریس باید ساختار دائمی داشته باشیم و شرط ارتقای هیئت علمی باشد. گذراندن صلاحیت های حرفه ای، داشتن برنامه توسط دانشگاه و تخصیص منابع، در آیین نامه باید پیش-شرطی برای ارتقاء باشد و این امر در سطح دنیا تجربه شده است. تجربه ی خوبی است که یک سری دروس را بگذرانند."

ارزش های کاری - شناخت و باور حرفه ای از دید مدرسان حوزه ی علوم پزشکی

احساس تعهد نسبت به نقش خود به عنوان یک مدرس عامل اثرگذار بر رشد حرفه ای است.

انگیزش حرفه ای - تأمل بر کار خود: "من به عنوان عضو هیئت علمی بعد از ساعت پنج بعدازظهر که به منزل می روم ساعت ها در مورد مسائل روز فکر می کنم و جستجو می کنم."

-
- ۱ . Thems
 - ۲ . Coding
 - ۳ . Achivement
 - ۴ . Relationship
 - ۵ . Support
 - ۶ . Independence
 - ۷ . Recognition

باور حرفه‌ای - تشخیص نقش: "مدرسی شغل بسیار مهمی است؛ اگر استاد دانشجویان را درست هدایت نکند آنها را به اشتباه حرکت می‌دهد. این حساسیت باید وجود داشته باشد؛ با در نظر گرفتن این‌که ما مسائل فرهنگی و شرعی خودمان را هم اضافه کنیم." **خودارزیابی عامل اثرگذار بر رشد حرفه‌ای است.**

انگیزش حرفه‌ای - خود تأملی: "به نظر من یک استاد باید دائماً خودش را بررسی و ارزیابی کند و آن جاهایی که خطا وجود دارد، تصحیح کند." **باور تغییر عامل اثرگذار بر کاهش نقاط ضعف است.**

باور حرفه‌ای - خود تأملی/تشخیص: "اگر استاد بفهمد این ارزیابی‌ها در جهت ارتقای اوست، او خیلی بهتر جواب می‌دهد. من برگه‌های ارزیابی را می‌گرفتم ببینم ضعیف‌ترین امتیاز را در چه بخشی گرفتم."

یک مدرس می‌تواند به کمک عمل حرفه‌ای خود، دانشجویان برجسته‌ای تربیت کند. **باور حرفه‌ای - اهمیت نقش:** "دانشجویی که آخرین رتبه‌ی کنکور بوده، می‌آید و در آزمون کشور می‌شود اولین رتبه؛ این کاملاً نشان می‌دهد که استاد می‌تواند هدایت کند." **تأمل بر واقعیت‌های مربوط به دانشجویان، ویژگی‌های دانش مورد تدریس و اهداف پیش روی، به مدرس کمک می‌کند تا تصمیم خردمندانه‌ای اتخاذ نماید و در یک بستر هدفمند و حرفه‌ای حرکت کند.**

شناخت حرفه‌ای - روشمند بودن / تشخیص: "دانش بشری در طی دو سال گذشته چندین برابر شده است. قبلاً می‌گفتند هر ژنی یک پروتئین درست می‌کند. بعد دیدند که ۱۱۰ هزار پروتئین شناخته شده است. بعد ژن‌های انسان را شناختند و دیدند انسان ۳۵ ژن دارد؛ پس نمی‌توان به شیوه‌ی قبل که توضیحی بوده است تدریس کرد؛ بلکه باید به دنبال شیوه‌های دیگر آموزشی باشیم تا با این گستردگی دانش هماهنگ باشد."

شناخت حرفه‌ای - مرجع تولید بودن / تشخیص و پیشرفت: "با توجه به کمبود جسد برای دروس پزشکی فکر کردم که چه کاری می‌توان کرد، چه چیزی را می‌توان جایگزین جسد کرد که همان نقش را در یادگیری برای دانشجویان داشته باشد؟ پس رفتم و مواد آموزشی جایگزین را پیدا کردم و اکنون در کلاس‌های خود از آنها استفاده می‌کنم."

شناخت حرفه‌ای - درک ساختار دانش موضوعی / تشخیص و پیشرفت: "من با یک بن-بست در رشته‌ی خودم مواجه شدم و آن حفظی بودن مطالب بود؛ اینکه دانشجویانم وقتی با این حجم مطالب خواندنی مواجه می‌شوند نمی‌توانند مشکل خود را حل کنند. نهایتاً روشی پیدا کردم که تا حدی این مشکل را حل کرده است."

مدرس به عنوان یک الگوی موفق اساس ارتقای سطح انگیزش یادگیری دانشجویان خواهد بود.

باور حرفه‌ای - نمود علمی داشتن / انگیزش: "دانشجو زمانی می‌تواند یک درس را بهتر بخواند که احساس کند استادی که دارد آن را تدریس می‌کند، او را به عنوان یک فرد موفق قبول دارد. در غیر این صورت شما نمی‌توانید یک دانشجوی با انگیزه در آن درس تربیت کنید."

باور الگوی ارتباطی همیاری بین دانشجویان به جای رقابت در موفقیت آنها مؤثر است.
باور حرفه‌ای - مولد بودن / اخلاقیات: "اما آنچه که برای یک محقق می‌تواند مؤثر باشد و زندگی او را تکان دهد، این است که پژوهش او منجر به یک خدمت بشود یا منجر به یک محصول بشود و آن محصول در فرآیند تولید برود. پژوهش اخلاقی البته اشکالی ندارد و چه بهتر که آدم تولیدی را در کشورش راه بیندازد و وابستگی کشور را کم کند و صرفه‌جویی ارزی کند و پول هم در جیبش برود."

سواد تخصصی مدرس یک شاخص اخلاق حرفه‌ای است.

شناخت حرفه‌ای - سواد علمی/تشخیص: "یک دانشجو از استادش انتظار دارد که سواد داشته باشد بنابراین استادی که سواد کافی نداشته باشد، نمی‌تواند الگوی اخلاقی خوبی باشد."
شناخت حرفه‌ای - نگاه سیستماتیک/تشخیص: "فقط از یک جنبه به دانشجو و مریض و همه چیز نگاه نکنیم. یک دید سیستماتیک داشته باشیم و همه‌ی جوانب یک امر را ما در نظر بگیریم و عملاً به صورت فرآیندی به آن نگاه کنیم. فرآیند یک‌سری ورودی دارد و یک‌سری اقدام انجام می‌شود و یک‌سری هم خروجی دارد."

نگرش فرایندی (ورودی - اقدام - خروجی) و جامع به موقعیت آموزشی دید ما را نسبت به آن و عناصرش واقع‌بینانه می‌کند.

باور حرفه‌ای - درک شأن و منزلت حرفه: "اخلاق پزشکی ایجاب می‌کند که پزشک همه را یک‌جور ببیند ما در نظام سلامت اعتقاد داریم که رابطه‌ی مالی بین پزشک و بیمار باید حذف شود."

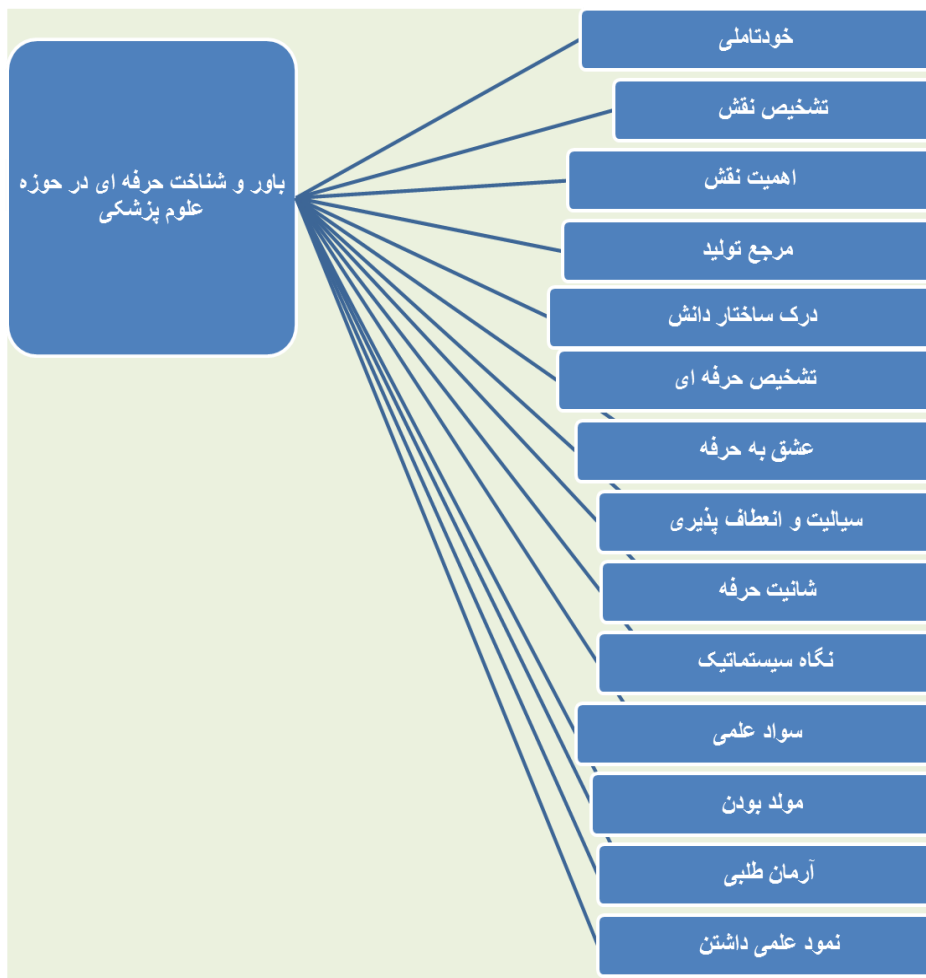
باور حرفه‌ای - سیالیت و انعطاف‌پذیری / اخلاقیات: "باید سیال باشد و انعطاف داشته باشد آدم موفق کسی است که رسالت خود را به عنوان یک معلم انجام دهد. در کنار این، پژوهش خیلی نقش مهمی دارد و کسی که چیزی را در کشورش تولید کند ارزش ویژه‌ای دارد که انشاءالله بتوانیم همه همین کار را بکنیم."

عشق به تدریس در زمینه‌ی موضوع مورد تدریس اساس کار مدرس است.

باور حرفه‌ای - عشق به حرفه/عشق: "استاد باید به کار تدریس علاقه‌مند باشد. معلمی عشق می‌خواهد و باید به رشته و موضوع تدریس خود علاقه‌مند باشد. باید در هر شرایطی بدون چشم-داشت مادی تلاش کند تدریس خوبی انجام دهد."

تفہیم نقش، جایگاه و ارزش هریک از شغل‌های مورد تحصیل دانشجویان در علاقه‌مند کردن، موفقیت شغلی و تقویت اعتماد به نفس آنها مؤثر است.

شناخت حرفه‌ای / تشخیص اهمیت نقش: "من به اهمیت شغل پرستاری واقعاً اعتقاد دارم. ما که در دانشکده‌ی پزشکی بودیم، حدود ۲۰ سال هم رشته‌ی پرستاری و مامایی را تدریس می‌کردیم یعنی از سال ۶۵ تا ۸۳ یعنی تمام پرستارها و ماماها با ما درس داشتند و ما را می-شناسند. چیزی که مهم است، وقتی شما گذرتان به بیمارستان می‌افتد نقشی که پرستارها در درمان مریض‌ها دارند به مراتب بالاتر از پزشک و متخصص است و من آنقدر علاقه داشتم به کارم که وقتی تدریس می‌کردم اصلاً فکر نمی‌کردم که دانشکده‌ی پرستاری، دانشکده‌ی دوم ماست و فکر می‌کردم دانشکده‌ی اصلی‌مان است یعنی همان قدر که برای اینها مایه می‌گذاشتم آنجا هم همین کار را می‌کردم."



شکل ۱- مؤلفه های شناخت و باور حرفه ای در حوزه ی علوم پزشکی

ارزش های کاری - شناخت و باور حرفه ای از دید مدرسان حوزه ی علوم پایه و مهندسی

داده های مربوط به مدرسان علوم پایه و علوم مهندسی ارزش های کاری، اخلاقیات، تعهد، انگیزش، پیشرفت، تشخیص، عشق و ارتباط را آشکار ساخت. انگیزش پیشرفت به مدرس کمک می کند تا زمینه های رشدی خود را پیدا کرده و مطابق با نیاز خود پیشرفت حرفه ای داشته باشد.

شناخت حرفه‌ای-تعلق به گروه‌های حرفه‌ای / پیشرفت: "برای اینکه خودش را به‌روز نگه‌دارد، یافته‌های علمی را نیاز دارد. کارهای زیادی باید بکند، باید دائم ژورنال‌های مؤثر در آن زمینه را مطالعه کند و در انجمن‌های کلیدی گرایش مورد نظر عضو بشود و کنفرانس‌های معتبر آن را برود. در حقیقت ارتباط داشته باشد با آن لبه‌ی علم، حالا در بخش تکنولوژیکی هم به همین ترتیب."

تعهد حرفه‌ای به مدرس کمک می‌کند تا علی‌رغم مشکلات آرمان طلب و متناسب با آن عملکرد حرفه‌ای داشته باشد.

شناخت حرفه‌ای- خبرگی حرفه‌ای: "من برای طرح یک سؤال گاهاً چهار ساعت وقت می‌گذارم. البته ترم قبل برای یک سؤال شش ساعت هم وقت گذاشتم. طرح سؤال خیلی مهم است؛ اگر روتین باشد که فایده ندارد دیگر کوئیز نخواهد بود."

شناخت حرفه‌ای- دقت نظر حرفه‌ای / تشخیص و پیشرفت: "من می‌خواهم کیفیت کارم تقریباً بالا باشد وگرنه اگر شما بخواهید دانشجویانی را تربیت کنید که این مفاهیم را یاد گرفته باشند، سؤال نوع اول و دوم می‌دهید. سؤال نوع سوم مال دانشجویانی است که می‌خواهیم ببینیم تا چه حد عمقی مطلب را فهمیدند."

نگاه مدرس به آموزش فراتر از جو حاکم بر افکار دانشجویان نسبت به تحصیل و مدرک‌گرایی باشد.

شناخت حرفه‌ای- چشم‌انداز عمل حرفه‌ای: "الان بچه‌ها بیشتر به دنبال نمره هستند. اگر ما با بچه‌ها حرکت کنیم به نفعشان کار نکرده‌ایم. یعنی اگر ارتقای توان علمی آنها را در نظر نگیریم به نفعشان نیست. چون اگر در آینده به بازار کار بروند، صنعت مملکت دست آنهاست؛ اگر بروند خارج برای ادامه‌ی تحصیل، آن‌وقت نماینده‌هایی از اینجا هستند؛ همان‌طور که اذعان دارند اکثریتی که از اینجا می‌روند با پیشینه‌ی خیلی خوب می‌روند. چون آموزش ما هنوز خیلی جدی است، نه فقط من، در کل در رشته‌ی برق آموزش پایه‌ی ما آموزش قوی‌ای است."

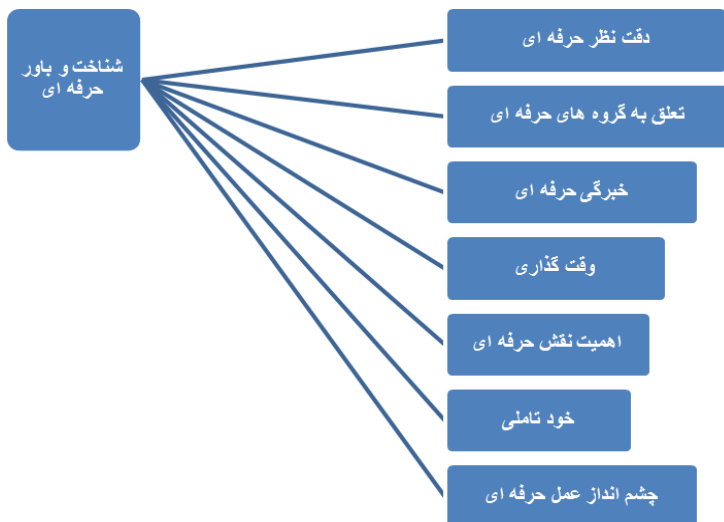
تعهد حرفه‌ای همراه با ایده به مدرس کمک می‌کند تا با اختصاص دادن زمان مناسب برای طرح سؤال و تصحیح اوراق امتحانی بتواند میزان تحقق اهداف یا ایده‌های خود را ارزشیابی کند.

باور حرفه‌ای- خود تأملی: "یکی از چیزهایی که من بابت آن خودم را نمی‌بخشم، این است که سر کلاس اشتباه کنم. زیرا دانشجو تقصیری ندارد یک ساعت نشسته است تا مطلبی را یاد بگیرد و بعد شما می‌روی و می‌گوی اشتباه کردم. این برای دانشجو خیلی بد است."

گستره ارزش های کاری سکویی برای آموزشگری در محیط آموزش عالی

باور حرفه‌ای - اهمیت نقش حرفه‌ای / انگیزش و پیشرفت: " هر چیزی که آدم بخواهد به آن برسد، هزینه دارد و باید از خودت مایه بگذاری. تدریس خوب هم هزینه‌اش وقت گذاشتن، دلشوره داشتن و برنامه‌ریزی کردن است."

باور حرفه‌ای - وقت‌گذاری: " هنگام تدریس خیلی انرژی صرف می‌کنم. قبل از کلاس هم حدود یک ساعت برنامه درسی خودم را مرور می‌کنم."



شکل ۲- مؤلفه‌های شناخت و باور حرفه‌ای در حوزه‌ی علوم پایه و مهندسی

ارزش‌های کاری - شناخت و باور حرفه‌ای از دید مدرسان حوزه‌ی علوم انسانی
داده‌های مربوط به علوم انسانی ارزش‌های کاری عشق، تعهد، پیشرفت، ارتباط، حمایت، تشخیص، انگیزش، شأن و منزلت، استقلال، همکاری، شرایط کاری، خلوص نیت، اخلاقیات و اخلاقی بودن، شور و احساس و اقتدار علمی را آشکار ساختند.
تلفیق عشق و احساس با منطق و معرفت موجب تربیت دانشجو می‌شود.
شناخت حرفه‌ای - عشق به حرفه: " معلم خوب قبل از دانشجو می‌آید. غیبت نمی‌کند. معلم باید شیفته‌ی کار خود باشد. عاشق باشد. در این صورت موجب تأثیر بر دانشجو می‌شود. نبود شیفتگی و حساسیت معلم موجب عدم رشد دانشجو خواهد شد."

باور حرفه‌ای - عُرفه در حرفه: "معلم باید عاشق کار خود باشد. با آن زندگی کند. با آن تنفس کند. روح کلاس روح خود او شود. تلاش من این بوده که با حرارت و عشق درس بدهم. آنچه از دل برآید بر دل نشیند. احساس منتقل می‌شود. اما باید جنبه‌های معرفتی هم باشد نه صرفاً احساسی، برای قوام."

رسیدن به سطوح عالی مدرسی نیازمند استعداد ذاتی است. مدرس منقلب‌کننده‌ی شخصیت، آموزش و پژوهش است پس نیازمند استعداد و خلاقیت ذاتی است.

شناخت حرفه‌ای - خودتأملی / تشخیص: "سطوح عالی معلمی و پژوهش احتیاج به نوعی طبیعت و استعداد دارد و می‌توان آنها را دید. (من احساس می‌کنم معلم خواهم شد) وقتی به این استعداد می‌رسم دارم طبیعت خود را بازگو می‌کنم."

درک ارزش و اهمیت نقش مدرسی به مدرس کمک می‌کند تا منزلت خود را حفظ کند.

باور حرفه‌ای - درک اهمیت نقش: "تعلیم و تعلّم کار با ارزشی است. رسالت معلم هم تعلیم و هم تعلّم (یاد گرفتن) است."

باور حرفه‌ای / انگیزش و پیشرفت: "انسان بیش از هر چیز به علم‌آموزی، کسب معلومات تازه و ارتقای آن نیاز دارد. هرچه از عمرش می‌گذرد می‌بایست در راه بالا بردن سطح معلومات خود قدم‌های اساسی بردارد."

شناخت حرفه‌ای - درک دامنه‌ی نقش: "معلومات جهانی گسترش یافته است. گذشت زمان وظایف جدیدی برای معلم و شاگرد به وجود می‌آورد."

شناخت حرفه‌ای - درک الزام‌های شناختی نقش / پیشرفت: "اولاً درک کند که مطالب تازه را یاد بگیرد و این امر مستلزم فعالیت‌های زیادی است. باید جدیت داشته باشد، فعالیت کند، بیشتر مطالعه کند و از راهنمایی‌های مهم هم استفاده کند."

شناخت و باور حرفه‌ای - درک الزام‌های هیجانی نقش: "معلم باید ظرفیت عشق، ظرفیت احترام، ظرفیت دوست داشتن و عدالت داشته باشد."

شناخت حرفه‌ای - درک الزام‌های ارتباطی نقش / حمایت: "منظورم از تدریس، صرفاً ارائه نیست، بلکه تعامل با دانشجو است. استاد باید بتواند دانشی را که دارد، در اختیار دانشجویان قرار دهد و دانشجویان را کمک کند برای بالا بردن توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایشان؛ یعنی اساتید باید با روش تدریس آشنا باشند. راز و رمز همدلی، درک، فهمیدن نقطه‌نظرات و تحمل آنها را بدانند. در ایران ما پدیده‌های فرهنگی خیلی خوب داریم اما نقطه‌ضعف‌های فرهنگی زیادی هم داریم."

گستره ارزش های کاری سکویی برای آموزشگری در محیط آموزش عالی

باور حرفه‌ای - عشق: "یکی از آرمان‌های من اعتلای ایران است؛ یعنی در درس‌ها و کلاس‌هایم بچه‌ها را تشویق می‌کنم و بعضی اوقات ممکن است ساعت‌هایی را به این موضوع اختصاص بدهم."

باور حرفه‌ای - عشق: "خلوص نیت لازم است تا دوام و تجربه‌اندوزی لازم است. اگر کسی این دو چیز را با هم داشت هم خوب درس خوانده بود و هم خوب انسان شده بود می‌شود یک معلم به معنای واقعی. حالا برای اینکه معلم بتواند آنچه را که آموخته است به دیگران هم بیاموزد شرایط خاص خودش را دارد. اولین شرط این است که عشق معلمی داشته باشد."

باور حرفه‌ای - درک شأن و منزلت حرفه‌ای: "انگیزه‌ی مدرس برای تدریس، ابزاری نباشد. دانشجو باید شخص باشد نه ابزار. تدریس یک شغل مادی نیست. کار نباید هدف باشد. تدریس با آدم‌ها سر و کار دارد نه ابزار. محول کردن کار به دانشجو باید در حد کار دانشجو باشد. زیرا استاد به حرفه‌ی خود نگاه ابزاری دارد."

استقلال عمل مدرس در برنامه‌ریزی درسی متأثر از نگاه تربیتی و تسلط او بر دانش و عمل حرفه‌ای است.

باور حرفه‌ای - استقلال حرفه‌ای: "خود را دربند سرفصل دروس نمی‌کنم و هرگز سعی نکردم یک هاله و خط مرزی بین خودم و دانشجو در نظر بگیرم. خود را محدود به زمان کلاس نمی‌کنم و عقب هم نمی‌مانم."

پیشینه و فرهنگ تربیتی مدرس عامل اثرگذار بر نگاه و عمل مدرس نسبت به شغل خود است.

باور حرفه‌ای - پیشینه‌ی تربیتی: "تربیت استاد مهم است اینکه پدر و مادر یک مدرس چه کسانی بوده‌اند مهم است. ممکن است شغل پدر و فرهنگ شغلی پدر بر پسر اثر بگذارد. مثلاً اگر معلمی منبع درآمد باشد؛ نگاه کاسبی می‌تواند مانع ایجاد رابطه بین استاد و دانشجو شود. این استاد محدوده‌ی درس را مشخص می‌کند. به پیامد و بازخورد توجهی ندارد. در فکر ساعت بعدی تدریس خود در جای دیگر است."

باور حرفه‌ای - عشق: "از درس دادن به دانشجویان لذت ببرد و در عمل نشان دهد که کلاس را دوست دارد."

اقتدار علمی مدرس عامل مؤثر بر تعلیم و تربیت دانشجویان است.

باور حرفه‌ای - اقتدار علمی / پیشرفت: "اقتدار علمی داشته باشد این امر مستلزم آن است که بر تخصص خود مسلط باشد و دانشمند و اهل قلم باشد."

نگاه، بیان، رفتار و منش مدرس باید نمادی از فرهنگ رشته‌ای خود باشد. **باور حرفه‌ای** - امانت‌داری دستاوردهای حرفه‌ای دیگران: "صفت امانت‌داری و حفظ امانت داده‌های علمی و پژوهشی دیگران یکی از مصادیق ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی برای یک مدرس در محیط آکادمیک است."

تأمل بر وظایف حرفه‌ای به ارتقای سطح تعهد حرفه‌ای کمک می‌کند.

باور حرفه‌ای - واکنش متناسب با نیاز: "پاسخ به اعتراض دانشجو نسبت به نمره‌ی پایان ترم وظیفه‌ی مسلم ماست و نباید قصور بکنیم. به نظر من هیچ کسر شأنی نیست، گذشته از آنکه شما دارید گناهی را که بعداً ممکن است پاسخ‌گویی برای آن دیر شده باشد، جبران می‌کنید و این در واقع جلوگیری از یک ظلم است. شأن معلمی به این چیزها بستگی دارد، شأن معلمی به احساس مسئولیت و دلسوزی بستگی دارد."

باور حرفه‌ای - تربیت مبتنی بر رشد ابعاد وجودی: "پرورش علمی، پرورش عقلانی، پرورش معنوی-اعتقادی، حتی پرورش اجتماعی-فرهنگی بر عهده‌ی استاد است."

تأمل بر ابعاد عمل حرفه‌ای خود در کلاس درس و تأثیری که در ساختار کلان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اعتقادی جامعه‌ی ملی ایده‌آل دارد، به مدرس کمک می‌کند تا دید جامعی نسبت به نقش خود به‌عنوان یک مدرس به دست آورد.

منشأ تحول در دانشگاه، مدرس است. نگاه جامع مدرس به نقش آموزشی و تربیتی خود و اعمال آن در فرایند ارزشیابی می‌تواند منشأ تحول در جامعه باشد.

باور حرفه‌ای - درک اهمیت نقش: "منشأ و قلب تحول در دانشگاه‌ها استاد خوب است. چنین استادی باید در ارزشیابی از آموخته‌های دانشجویان نگاه جامعی داشته باشد. یعنی فقط اطلاعات و دانش و حتی فقط تحلیل علمی آنها را مورد ارزیابی قرار ندهد، بلکه قابلیت‌های اخلاقی، منش و روش آنها را نیز مورد ارزشیابی قرار بدهد."

مدرس نگاه توحیدی به نقش و جایگاه خود در جهان هستی داشته باشد و نهاد آموزش عالی مانند دیگر اجزای جهان هستی در راستای قوانین الهی فعالیت کند.

باور حرفه‌ای - باور توحیدی: "اولین آن به اعتقاد من این است که (البته بعضی چیزها را وقتی می‌گویم، شاید آرمان‌گرایانه باشد، ولی اینها هست...) هرقدر استاد نگرش توحیدی داشته باشد، سایر امور، به میزان زیادی حل می‌شود. حالا نگرش توحیدی به این معنی که استادی باشد معتقد به این که جهان هستی دارای یک کانون است و آن کانون خدای متعال است. عالم هستی شامل عالم انسان‌هاست، و عالم انسان‌ها نیز شامل نهادهای آموزشی و پرورشی است که

همه به سوی آن کانون مرکزی در حرکت‌اند. یعنی درست است که دانشگاه‌ها، آموزش و پرورش و سایر نهادها، در زمینه‌های مختلف فعالیت می‌کنند، اما نباید جهت را گم کنند." حدود و ثغور برنامه‌ی درسی آموزش عالی را رسالت دانشگاه تعیین می‌کند. پس رشد همه‌جانبه‌ی دانشجو در حوزه‌ی برنامه‌ی درسی قرار می‌گیرد. نظریه‌پردازی در دانش برنامه‌ی درسی با رویکرد اسلامی - ملی، حدود و ثغور آن را فراتر از حوزه‌ی دیسیپلین گسترش می‌دهد.

باور حرفه‌ای - استقلال حرفه‌ای (نو مفهوم‌پردازی مبانی نظری برنامه‌های درسی) / استقلال: "ما باید ابتدا تکلیف خودمان را در بعد نظری، با دیدگاه‌های مختلف در برنامه‌ی درسی روشن کنیم. آنچه که من دریافت کرده‌ام این است که ما باید به برنامه‌ی درسی دانشگاه آن‌طور نگاه کنیم که ظرفیت آن را دارد و در همه‌ی ابعاد شخصیتی دانشجو را پرورش دهد. این است که ما چه‌بسا به تئوریزه کردن مباحث برنامه‌ی درسی آکادمیک با رویکرد اسلامی-ملی احتیاج داشته باشیم. اگر ما با این دید به مسائل بنگریم، در اینجا قطعاً این مباحث جای دارد." کم‌توجهی به نقش تربیتی دانشگاه زمینه‌ی رشد رفتارهای نامطلوب در دانشجو را فراهم می‌سازد.

باور حرفه‌ای - تعهد حرفه‌ای: "اگر عضو هیئت علمی تا حدی بی‌تفاوت باشد یا خودش را کنار بکشد به‌رحال دانشجو ممکن است از فرصت‌هایی که در این محیط خلق می‌شود بی‌بهره بماند و از رفتارهایی که در شأن جامعه نیست به او برسد. من فکر می‌کنم عضو هیئت علمی در این رابطه نقش ویژه‌ای دارد."

نگاه و اندیشه‌ی بین‌المللی داشتن و پژوهشگر موضوع خود از نگاه بین‌الملل بودن، موجب ایفای نقش بین‌المللی و شکل‌گیری انسان‌گرایی در مدرس می‌شود.

شناخت حرفه‌ای - باور دانش بین‌المللی / پیشرفت: "استاد باید بین‌المللی فکر کند و عمل کند. خودش رابطه‌ی بین‌المللی داشته باشد تا بتواند بین‌المللی شود. مسائل بین‌المللی در رشته‌ی خودش را تشخیص دهد. موضوعات پژوهش بین‌المللی را بشناسد. مسائل روز جهانی را بشناسد. وقتی انسانیت اصل باشد قوم و نژاد مطرح نیست. همه را می‌پذیرد و همه را انسان می‌داند."



شکل ۳- مؤلفه های شناخت و باور حرفه ای در حوزه ی علوم انسانی

نتیجه گیری

بنابر آنچه در مقدمه، طرح مسئله و مبانی نظری به آن اشاره شد، مدرس با هویت‌های آمیخته به هم که مبتنی بر باورهای شخصی، توانمندی‌های تخصصی و الزامات و نقش سازمانی است در نقش یک مدرس آکادمیک در محیط آموزش عالی به‌عنوان یک سازمان یادگیری با رسالت‌های چندگانه حضور دارد. این هویت‌ها بر اساس آنچه که در یافته‌ها تحقق یافت مبتنی بر مؤلفه‌های ارزش کاری است. مؤلفه‌های ارزش‌های کاری مبتنی بر یافته‌های کیفی نشان دادند که این مؤلفه‌ها در مدرسان کلیه رشته‌ها نسبت به هم وجوه مشترک و متمایز داشته‌اند. رشد حرفه‌ای مدرسان و کسب قابلیت‌های متناسب با حرفه‌ی مدرسی فرایندی است که در تعامل با محیط کاری آنان و عناصر زمینه‌ای موجود در آن ظهور و رشد می‌یابد.

یافته‌ها در زمینه‌ی ارزش‌های کاری از منظر مدرسان حوزه‌ی علوم انسانی بر محوریت رشد همه-جانبه‌ی دانشجویان، اهداف تربیتی و الگو بودن مدرس متمرکز است. به‌عبارتی نگاه شخصی این گروه از مدرسان مبتنی بر نوعی رویکرد انسان‌گرایانه است. بالاترین فراوانی در ارزش‌های کاری به‌ترتیب عبارت‌اند از: تعهد، تشخیص، اخلاقیات، حمایت و پیشرفت. دیگر ارزش‌های کاری شامل: شأنیت، انگیزش، اعتماد، عشق، استقلال، ارتباط و باور توحیدی است.

یافته‌ها در زمینه‌ی ارزش‌های کاری شناخت و باور حرفه‌ای متمرکز بر رشد همه‌جانبه‌ی دانشجویان، الگو بودن مدرس، جلب اعتماد دانشجو و مبتنی بر رویکرد انسان‌گرایانه است. بالاترین فراوانی در ارزش‌های کاری به‌ترتیب عبارت‌اند از: ظرفیت عشق، پیشرفت، تعهد، حمایت و اخلاقیات. دیگر ارزش‌های کاری شامل انگیزش، تشخیص، شأنیت، همکاری، استقلال و اقتدار علمی است. در تأیید یافته‌های فوق از نظر هندرسون، سامودی، زامبران و کوک (۲۰۰۸)، تعهد و شایستگی مدرسان دو شاخص اساسی رشد حرفه‌ای است. تعهد به نگرش‌ها و ارزش‌ها اشاره می‌کند که انگیزه‌ها و علایق کاری افراد را در بر می‌گیرد. شایستگی به توانایی‌های انجام وظایف مربوط به شغل اشاره می‌کند. آنها معتقدند که اگر این دو شاخص در مدرسان در سطح بالا باشد به کارگزاران شایسته تبدیل می‌شوند. مدرسان با تعهد بالا اگر از لحاظ شایستگی در سطح پایین باشند مدرسان حرفه‌ای نخواهند بود. همچنین از دید آندری و گاسلینگ (۲۰۰۵)، هر موضوعی انواعی از تعهدات اخلاقی را ترکیب می‌کند و مسائل اخلاقی مشخصی را خواهد داشت. هیچ موضوعی نمی‌تواند فارغ از اخلاق باشد، یا با روشی که دانش توسط آن جمع‌آوری و فهمیده شده است یا با کاربرد آن دانش در جامعه بی‌ارتباط باشد. بنابراین می‌توان اظهار کرد که ظرفیت تعهد یک شاخص حرفه‌ای اساسی قلمداد می‌شود.

تأکید مدرسان بر عشق نسبت به کار بر این فرض استوار است که ایفای نقش مدرسی و ادای تکلیف آن با سختی‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌هایی همراه بوده که به پشتوانه‌ای قوی نیاز دارد و آن پشتوانه در مفهوم عشق به حرفه نهفته است. زیرا پشتوانه‌ی منطقی که مبتنی بر معادلات انتفاعی است، توان همراهی طولانی‌مدت با این نقش را نخواهد داشت. از طرف دیگر، همراه و ملازم شدن ظرفیت پیشرفت در حرفه با ظرفیت عشق به حرفه، آن را از یک پشتوانه‌ی صرف آرمانی رها می‌سازد و به یک پشتوانه‌ی معقول قابل اتکاء تبدیل می‌کند و به‌نوعی می‌توان اظهار داشت هم‌ترازی ظرفیت عشق و پیشرفت هم‌سو با تعهد حرفه‌ای است. این یافته‌ها با دیدگاه پالم‌ر (۱۹۹۸)، بوش و هستر (۲۰۰۸)، رولاند (۲۰۰۰) و بری (۲۰۰۱)، هم‌سو است. از دید پالم‌ر (۱۹۹۸)، تدریس خوب را نمی‌توان در تکنیک محدود کرد. تدریس خوب از هویت و تمامیت مدرس می‌آید. هویت یک مدرس از فعل و انفعال پیچیده‌ی عواملی تشکیل می‌شود که نه‌تنها ارزش‌های دیسیپلین یا حرفه‌ی تدریس که معلم عضوی آن است را در بر می‌گیرد بلکه ارزش‌های شخصی، تاریخ و تعهداتی که مدرس در تدریس خود می‌آورد را هم شامل می‌شود. تمامیت در این مفهوم هویت باورهای اخلاقی است. بوش و هستر (۲۰۰۸)، بری (۲۰۰۱) و رولاند (۲۰۰۰)، هدف بنیادین تدریس را نفوذ در دانشجو همراه با عشق نسبت به موضوع می‌دانند.

باور توحیدی مبتنی بر ویژگی معرفت، خلوص و آزادگی یک ظرفیت حرفه‌ای غیر قابل قیاس با دیگر ظرفیت‌ها به‌عنوان یک شاخص حرفه‌ای تلقی می‌شود و نمود آن در باور تمامی مدرسان قابل استنباط بوده است. تمامی مؤلفه‌های ارزش‌های کاری در زمینه‌ی شناخت و باور حرفه‌ای که در یافته‌ها به آن اشاره شد، جلوه‌هایی از باور توحیدی مدرسان را نمایان می‌سازند اما نیاز به تأمل بیشتری دارند.

پیشنهادات

- احترام گذاشتن به شأن و منزلت، امنیت و باورهای مدرسان و مبنا قرار دادن آنها در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به ظهور و تحکیم فرهنگ احترام و مشارکت در محیط آموزشی کمک می‌کند.
- به اقتدار علمی و تعهد حرفه‌ای مدرسان توجه شود زیرا آنها کمک می‌کنند تا فرهنگی در دانشکده ظهور یابد که بر جو حاکم بر گرایش دانشجویان به مدرک‌گرایی غالب شود.
- توجه به طراحی اندیشمندانه‌ی دروس اخلاق حرفه‌ای در برنامه‌های درسی تربیت مدرس و راه‌اندازی سیستم‌های کنترل کیفی برداری به کاهش سرقت ادبی کمک می‌کند.

گستره ارزش های کاری سکویی برای آموزشگری در محیط آموزش عالی

- آیین‌نامه‌های ارتقای مرتبه‌ی علمی به نحوی طراحی شوند که زمینه‌ساز تقویت برتری‌ها یا فضیلت‌های علمی، فکری، اخلاقی و رفتاری مدرسان باشند زیرا منبع الهام‌بخش باور و عمل آنها و شکل‌گیری فرهنگ سازمانی خواهد بود.
- وجود مرکز/ اجتماعی در سطح دانشکده با هدف حفظ حرمت و شئونات مدرسی و رسیدگی به امور و حقوق انسانی آنان بر تحکیم فرهنگ روابط انسانی بین مدرسان و دیگر افراد مؤثر است.

منابع

- Andrea, Vaneeta- marie, D. & Gosling, David(۲۰۰۵), Improving Teaching and Learning, A Whole Institution Approach, Open University Press.
- Betances, Cynthia Ann (۱۹۹۹), From professional development to practice: Factors in the implementation of standards- based curriculum, PhD dissertation of George Washington University.
- Bierer, Beth; Dannefer, Elaine(۲۰۰۸), Methods to assess students' acquisition, application and integration of basic science knowledge in an innovative competency-based curriculum, Medical Teacher, ۳۰: pp.۱۷۱-۱۷۷.
- Cabaroglua, Nese & Tillemab, Harm H.(۲۰۱۱), Teacher educator dilemmas: a concept to study pedagogy, Teachers and Teaching: theory and practice, ۱۷(۵), pp. ۵۵۹-۵۷۳.
- Clinton, Jones(۲۰۱۱), Principal As Fasilitators Of Professional Development With Teachers As Adult Learners, Dissertation for the degree of Doctor of Philosophy in Education In the graduate School of the University of Missouri.
- Cooper, Linda M. (۲۰۱۱), Human Resource Management Practices, Job Satisfaction, And Organizational Performance In A Public Social Services Agency, A Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Public Administration, University Of Laverne.
- Creswell, J. W. (۲۰۰۳), Research design: qualitative, quantitative, and mixed method approaches, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J. W., & Plano Clark, V. L., (۲۰۰۷), Designing and conducting mixed methods research: Thousand Oaks, CA: Sage.
- Creswell, J.W., Plano Clark, V.L., Gutmann, M.L., & Hanson, W.E. (۲۰۰۳), Advances in mixed methods research designs, mixed methods in social and behavioral research, Thousand Oaks, CA: Sage.

- Crossman Joanne M & Kite Stacey L. (۲۰۱۲), Facilitating improved writing among students through directed peer review Active Learning in Higher Education ۱۳(۳), pp. ۲۱۹-۲۲۹.
- Cullen, John(۲۰۰۸), Professionalizing knowledge sharing and communications, Business Information Review, ۲۵(۱), pp. ۵۳-۵۷.
- Dare, Anne Elizabeth(۲۰۱۱), Assessment Of Global Engineering Competencies, A Thesis, In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Master of Science in Engineering, Purdue University.
- Gappa, Judith, M., Austin, Ann, E. & Trice, Andrea, G. (۲۰۰۷), Rethinking Faculty Work, John, Wiley & Sons, Inc.
- Gesche, Astrid & Makeham, Paul(۲۰۰۸), Creating Conditions for International Learning and Teaching, Springer Science + Business Media B.V.
- Gibson, Ian(۲۰۰۸), Designing Learning Communities in the Twenty- First Century, Springer Science + Business Media B.V.
- Gillespie, Kay, J. & Robertson, Douglas, L. (۲۰۱۰), A Guide to Faculty Development, Jossey- Bass.
- Gilmore, Sarah & Anderson, Valerie(۲۰۱۱), Anxiety and experience-based learning in a professional standards context, Management Learning, ۴۳(۱), PP. ۷۵-۹۵.
- Hellsten, Meeri & Reid, Anna(۲۰۰۸), Researching International Pedagogies, Springer Science + Business Media B.V.
- Henderson, Somody, Cook & Zambrano(۲۰۰۸), Evaluation of professional education, Research in Higher Education, ۴۴(۶), pp. ۱-۲۷.
- Henson, T. Kenneth(۲۰۱۰). Curriculum Planning. Waveland press, Inc. Fourth Edition. USA.
- Herling, Richard Wayne(۲۰۰۵), Employee perceptions of intended and unintended work experience outcomes in the on-the-job development, ProQuest Dissertations and Theses.
- McMillan , Dorothy J. ; Walsh , Glenda & Gray, Colette(۲۰۱۱), Changing mindsets: the benefits of implementing a professional development model in early childhood settings in Ireland, Professional Development in Education, ۳۸(۳), pp. ۳۹۵-۴۱۰.
- Malik, Tarun(۲۰۱۱), College Success: First Year Seminar's Effectiveness on Freshmen Academic and Social Integration, Impact on Academic Achievement and Retention at a Southern Institution, A Dissertation

- Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements of the Degree of Doctor of Education, Johnson & Wales University.
- Marsella, Anthony, J. & Paul Pedersen(۲۰۰۴), Internationalizing the counseling psychology curriculum: Toward new values, competencies and directions, *Counselling Psychology Quarterly*, ۱۷(۴), pp. ۴۱۳-۴۲۳.
- Marsh, Colin J. & Willis George (۲۰۰۷), *Curriculum: Alternative approaches, ongoing Issues*, Pearson Education, Inc. ۴th Ed.
- Massey, Janet F. (۲۰۱۱), *Pennsylvania Accounting Practitioners' Perceptions of Entry-Level Accountants Skills versus Competencies and Preferences Influenced by the ۱۵-Hour Educational Requirement*, A dissertation submitted to the faculty of Wilmington University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Business Administration Wilmington University.
- Richards, Debbie(۲۰۱۲), *Leadership for Learning in Higher Education : The Student Perspective*, *Educational Management Administration & Leadership*, ۴۰(۱), pp. ۸۴-۱۰۸.
- Skelton, Alan(۲۰۱۲), *Value Conflicts in Higher Education Teaching*, *Teaching in Higher Education*, ۱۷(۳), pp. ۲۵۷-۲۶۸.
- Slater, Rachel; McCarthy Veach, Patricia & Li, Ziqiu(۲۰۱۳), *Recognizing and Managing Countertransference in the College Classroom: An Exploration of Expert Teachers' Inner Experiences*, *Innov High Educ*, ۳۸, pp. ۳-۱۷.